

برخی از اعلامیه‌های

بخش مارکستی - لنینیستی

سازمان مجاهدین خلق ایران

هم میهنان مبارز!

رژیم شاه بنا بر ماهیت انگلی ، ضد خلقی و سرسیردگی اش به امپریالیسم ، هرگز ب مردم ما آزادی نخواهد داد . دادن آزادی با علت وجودی این رژیم غارتگر متضاد است . آزادی ، استقلال سیاسی و اقتصادی ایران در چهارچوب رژیم تا مفر استخوان وابسته شاه خائن هرگز بدست نخواهد آمد . این آزادی را فقط و فقط می توان با نابودی و سرنگونی کامل رژیم شاه ، از طریق قیام و مبارزه مسلحانه توده ای و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بدست آورد .

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

بخش مارکستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

"کودتای نظامی، آخرین حربه رژیم تبهارشاه"

فراهم ساخت

این تازه آغاز کار بود. با بالا رفتن آگاهی سیاسی و شعور طبقاتی توده‌ها، ماهیت جانپورهای فریبنده و ضد خلقی رژیم سرسپرد شاه، که هدفی جز پرده افکندن بر روی تخریب‌های عمیق و آتشی ناپذیر میان خود و خلق و توجیه دزدیها و غارتگریها و جنایات بینامرزشنداشت، هر چه بیشتر آشکار می‌گشت و خلق‌های زحمتکش را در شرایط بالاسبب مسلحی که فراهم شده بود، بیش از پیش درک میکردند که برای رهائی از پنجه این باند جنایتکار و نیل به آزادی و استقلال واقعی، راهی جز مبارزه قاطع و بی‌گهر و قهرآمیز توده ای و سرتنگونی کامل رژیم خودکام و ضد خلق شاه و قطع نفوذ و حاکمیت اربابان امپریالیست آن وجود ندارد.

جنبش هر روز اوج تازه ای می‌یافت و موج اعتراض و تظاهرات سیاسی در ابعاد بسیار گسترده‌ای، اکثر شهرهای ایران را فرا گرفت و هر روز دهها شهید و مجروح از خود بجای می‌گذاشت. هنوز چند روزی از تغییر کابینه و روی کار آمدن دولت شریف‌امامی و یابوهای او در باره دولت بااصلاح آتشی ملی نگذشته بود که ملیونها تن از مردم زحمتکش و مبارز ما در تهران و شهرستانها دست به اعتراض و تظاهرات وسیع خیابانی زدند و قدرت لایزال توده‌ای خود را بنمایش گذاشتند. منتهای گسره کرده و فریادهای مرگ بر شاه آنها پاسخ کوبنده و دندان شکنی بود بر یابوهای دشمنان قسم خورده خلقهای ما در باره "رسیدن ایران به دروازه‌های تمدن بزرگه" فضای باز سیاسی، "فضای آزادی و دموکراسی" و... عظمت و عمق این جنبش توده ای بجدی بود که وحشت و اضطراب سرایای رژیم جنایتکار شاه را فرا گرفت و بار دیگر جنگ و دندانش از پس بزمه شب بازی دولت سزدر شریف‌امامی هویدا شد و به بهانه حکومت نظامی به قتل عام و حبسیانه هزاران تن از مردم قهرمان ما که در تظاهرات ۱۷ شهریور، در میدان شهیدا و سایر نقاط تهران گرد آمده بودند، دست زد. اما دیگر نه سرکوب و ارباب‌نه وعده‌های فریبنده و نه هیچ چیز دیگر قادر نبود حرکت سریع و پرتوان جنبش مبارزاتی مردم را شوق سازد. در زیر سوزینه ارتش و گوله باران چکه پوشان رژیم خونخوار شاه، کارگران صدها کارخانه و موسسه تولید و خدماتی دست به اعتصاب زدند و برای نخستین بار در تاریخ ۲۰ سال اخیر، علاوه بر مطالبات صنفی، بر رود خواستههای سیاسی خود تکیه کردند. در کار کارگسران، کارشدان اکثر ادارات و مؤسسات دولتی و خصوصی، با اعلام اعتصاب و طرح درخواستهای متعدد صنفی و سیاسی خود همراه با ملیونها تن از دانش‌آموزان و دانشجویان، با شور و ایمانی وصف‌ناپذیر به جنبش عظیم اعتراضی پیوستند. آنها با وضوح تمام نشان دادند که بحران سیاسی و اقتصادی حاکم بر رژیم سرمایه داری وابسته و دلال ایران که نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر تناقضات ذاتی این سیستم و بیاناتگر تخریب آتشی ناپذیر میان خلق‌های ستمکش ما و رژیم خونخوار و غارتگر شاه و اربابان امپریالیست است، آنچنان عمیق و ریشه ای است که نه با تغییر این یا آن دولت، نه با فضای بااصلاح باز سیاسی، نه با سرکوب خونین تظاهرات مردم، نه با حکومت نظامی و به بند کشیدن مبارزین و نه با هیچ چیز دیگر، قابل درمان نیست.

بحران هر روز ابعاد تازه ای بخود میگرفت و جنبش عظیم توده‌ها بنحویز افریزی

در پی اعتصابات صنفی و سیاسی ملیونها تن از کارگران و کارشدان کارخانجات و مؤسسات بخش دولتی و خصوصی، در پی اعتصابات وسیع و گسترده دهها هزار کارگر مبارز صنعت نفت در جنوب و سایر شهرستانها، بدنیال اعتراضات و تظاهرات سیاسی و پر شور ملیونها تن از توده‌های زحمتکش خلق ما در تهران و سایر نقاط ایران که همگی متحد و یکدند شعار نابودی و سرتنگونی حکومت خودکام و سرسپرد شاه خائن و قطع نفوذ و سلطه امپریالیستهای خونخوار و غارتگر را ندا در میدادند، در پی سی شهادت هزاران تن از بهترین فرزندان خلق که سینه هایشان را بناظر کسب آزادی و استقلال ایران، آماج گوله‌های آمریکائی و اسرائیلی قرار دادند و بالاخره بدنیال تظاهرات خونین دانشگاه تهران و قیام حماسه آمیز و قهرمانانه صدها هزار تن از مردم مبارز تهران در روز چهاردهم آبان، دولت بااصلاح آتشی ملی شریف‌امامی، این فرقه نوکر و مزدور آمریکائی ساقط و شاه دیکتاتور و بناچار دست‌توسل بسوی ارتش‌ممنسی آخرین پایگاه ارتجاع و دیکتاتوری دراز نمود و با روی کار آوردن یک دولت نظامی، مرکب از چکه پوستان و جنایتکاران حربه ای و مغزترین جیره هائی که در خلال ۲۰ سال اخیر به مکتب خون مردم مشغول بوده اند، بار دیگر ماهیت ضد خلقی، سرسپردگی و نوکر منشی خود را به اربابان آمریکائی و در همین حال زبونی و ناتوانی آنها در برابر توده‌ها و جنبش‌های انقلابی آفرین آنها نمایان ساخت.

لکن بجاست تا ببینیم چه عواملی باعث چنین اقدامی از سوی شاه جنایتکار و اربابان آمریکائی او گردید، دولت نظامی چه اهدافی را دنبال میکند و چشم انداز و سرنوشت آینده کدام است، این اهداف و این چشم انداز تا چه حد با یابو گویی‌های شاه در روز پانزدهم آبان مطابقت می‌کند و...

بدنیال شکست فضاخت بازنظامی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن و تحت فشار روز افزونی که توده‌های زحمتکش و مبارز ما برای رهائی از جنگال این رژیم ضد خلقی به آن وارد می‌آوردند، رژیم مزدور شاه بدستور اربابان آمریکائی اثر، که اینبار با جیره بااصلاح لیبرالی و دفاع از حقوق بشر! بمسدان آمده بودند، برای حفظ و ادامه حیات و بقای حکومت ننگین خود و تأمین شافع غارتگران خارجی اجبارا دست به یک سری عقب‌نشینی‌های جزئی و تاکتیکی زد و ناچار گردید در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی به دادن امتیازاتی هر چه ناچیز و محدود تسن در دهد. تغییر کابینه دولت آموزگار و روی کار آمدن دولت شریف‌امامی، برنامه بااصلاح مبارزه با فساد، دستگیری و بازداشت‌تنی چند از دزدان و غارتگران، افزایش بسیار ناچیز حقوق و دستمزدهای برخی از کارکنان انتظامی مؤسسات بخش دولتی و خصوصی، کاهش فشار سیزی و سانسور از روی مطبوعات، استقلال دانشگاهها، آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی، استقلال نسبی قوه قضائیه، کاهش تسلیحات و... نمونه هائی از عقب‌نشینی بسیار محدود رژیم در برابر خشم و کینه عمیق و بی‌کران توده‌های مردم بود. اما تمام این مواخیزی‌ها و تلاشیهای مذبحانه رژیم رسوا شده شاه نه تنها مرهمی بر زخمهای عمیق دوزخی او نگذاشت و نه تنها کاهشی در بحران عمیق و همه جانبه‌اش بوجود نیارده بلکه زمینه را از جهات مختلف برای فعالیت گسترده‌تر و افرین‌تر توده‌ها و افزایش فشار آنها و رسوائی هر چه بیشتر رژیم شکست بار پهلوسوی

تنها راه رهائی خلق و نابودی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن مبارزه مسلحانه توده‌ایست.

کودتای نژادگرای شاه و حاکم شدن چنگه یوشان سی خنز و گله بزرگ چون ازهارنه اوسی و ... بر مقدرات مردم بینر از هر موقع دیگر آنها را باین واقعیت آشنا ساخت که چرا امپریالیسم آمریکا و رژیم تبهکار شاه ، تدارک ارتش نیرومند را میدیدند و ثروت، ای عظیم ملی ما صرف خرید سلاحهای مرکز آمریکائی و اسرائیلی میکردند . مردم ما بمیان میدیدند که امنیت و دفاع از آب و خاک که ذخایرش دهها میلیارد دلار از درآمد ملی ما بدست امپریالیستها بتاراج رفته و اقتصاد ملی ما را به ورشکستگی کشانده بود چه معنای دانست و بجه ظنوری تبلیغ میشد و رسالت ارتش ضد خلقی شاه که بدست امپریالیستها آمریکا ، سازمان داده شده ، چه بوده است . آیا تدارک ارتش برای امنیت ملی و دفاع از آب و خاک بود و یا تأسیس شایسته کیفی مهابتواران آمریکا نسی و تضمین بقا رژیم نکت بار شاه ؟ کد امیک ؟

روی کار آمدن دولت نژادگرای شاه و نهادن رژیم شاه بخوبی نشان داد که امپریالیسم های خونخوار جهانی و در رأس آنها آمریکا برای تأمین منابع کیفی همیشه و حفظ بقای رژیم های سر سبز و مزدوری چون رژیم شاه ، آمادگی چه جنایات و قتل عامهای وحشتناکی از توده های خلق دارند . اما امپریالیستها جهانگرد و رژیم ننگین شاه ، هم اکنون در مقابل عزم راسخ خلقهای مبارز و فیرمان ما ، در طمانده تر از آن هستند که حتی با کودتای نظامی و روی کار آوردن چنگه یوشان و قدرانی که جز اجرامی دهنشور و فرمان جیزی نمی شناسند ، بتوانند از سر نوشت ، نظم و منظم خود یعنی سرگ و نابودی وهائی بیایند .

توسل به کودتای نظامی از سوی امپریالیستها آمریکا و رژیم شاه ، بمسوا آنحضرت راه حل ، در عین حال بیانگر تشنگی ، فرو پاشیدگی ، درونی ، انفراد و استیصال رژیم شاه و ناتوانی او در قبال بحران کنونی و جنبش انقلابی مردم نیز هست . امپریالیستها و رژیم شاه خائن بخوبی میدانند که حتی با روی کار آوردن دولت نظامی هرگز نخواهند توانست بر این بحران عمیق غلبه کرده و حیات خود را حفظ کنند ، لذا سعی دارند در همان حال که مردم را گول بباران و قتل عام می کنند ، با قسم و آیه و وعده و وعید دادن به مردم در مورد حکومت قانونی و روی نیابردن به دیکتاتوری و فساد و جنایات گذشته ، آنها را وادار به سکوت و آرامش و همکاری با حکومت کنند .

شاه جنایتکار و دیکتاتور که طی ۳۷ سال گذشته ، کاری جز غارت و جیباول ثروتها ی مردم و تحقیر توده ها و به صلا به کشاندن آنها ندانست و کوچکترین ندای اعتراضی را با گوله و سرنیزه و زندان و شکنجه پاسخ میداد ، هم اکنون از مردم می خواهد که او را در امر حکومت یاری و راهنمایی کنند ! این سگ زنجیری امپریالیسم که تا همین دیروز ، کوچکترین اعتراضی را به خاک و خون می کشید ، هم اکنون که در برابر جرح خورشیدان و خشم آگین توده های ستم دیده قرار گرفته است ، دم از حقانیت اعتراضات و اعتراضات مردم میزند و خود را مدافع و پشتیبان آنها قلمداد میکند ! این کفتار پیر که در هر ض ۳۷ سال حکومت ننگین خویش ، کثرت شایسته شکارانه و ضد خلق خود و رژیمش را نشان داده است ، هم اکنون از روی استیصال و درماندگی ، دم از توبه میزند و تمسید میکند که دیگر بر مردم دیکتاتوری و ستم روا ندارد و ملتسانه از مردم ، که در طول این ۳۷ سال ده ها هزار از آنها را کشتار کرده است ، می خواهد که برای حفظ سلطنت و استقلال آن (بخوان : برای حفظ حاکمیت امپریالیستها و حفظ سلطنت و تاج و تخت پوسیده پهلوی و ادامه غارتگریهای آنها) احساس مسئولیت کنند و از دست زدن به خشونت خودداری ورزند ! این جنایتکار حرض ای ، در حالیکه در برابر رژیم راسخ و استوار خلق های ما به درهم کوبیدن رژیم او و جاروب کردن بساط سلطنت و دربار و بیرون ریختن اربابان خارجی اثر قرار گرفته است ، ابلهانه دم از این میزند که درآمد و ثروت خاندان سلطنت کنترل خواهد شد ! و با قربانی ساختن هماینگی های دیروز خود ، مدیحه تلا نمی کند که آبروفته را بجوی باز گرداند و بی هیچ گزندی خود را از جنایات و سابقه کثیفش خلاص بخشد ! اما غافل از آنکه دوران فریب و نیرنگ ، دیگر سر آمده و عصر آگاهی عظیم خلقهای ما فرا رسیده است و این آگاهی ، بی تردید راه هر

در حال گسترش بود . از دیدگاه امپریالیستها آمریکا و سگ زنجیری آنها شاه رژیم سه کار او ، مقابله با جنبش عظیم اعتراضی و خشونت آمیز مردم ، تأمین منابع امپریالیسم آمریکا و تضمین بقا و حیات رژیم گدیده لفظی از دوراه امکان پذیر بود . تا یک گام عقب نشینی و تن دادن به یک کابینه لیبرالی ، متشکل از عناصر لیبرال و اصلاح طلب و از این طریق عقب راندن جنبش توده ها بدین کوچکترین تغییر در پایه های پوسیده رژیم سلطنتی و یا تدارک جنگ تازه علیه خلق و تشکیل یک دولت نظامی و ماز هم سرکوب و قتل عام مردم . امپریالیسم آمریکا و به نفع آن رژیم جنایتکار شاه در ابتدا کوشیدند تا با تجربه اول ، سقوط و نابودی خود را بتأخیر اندازند و از این روزه طریق برخی عناصر شناخته شده همچون علی امینی ، این فرقه نوکر امپریالیسم آمریکا ، که سرسپردگی خود به اربابان را بارها و بارها به نیت رسانده است ، کوششهایی برای جلب همکاری عناصر و گروههای لیبرال مذهبی و ملی صورت گرفت . بدو اوقات آن رهبران جیبه ملی و نهضت آزادی ، که تا دیروز سر در لاک تسلیم طلبی خود فرو برده و بسا سکوت بزرگوارانه ! نظاره گر غارت و جیباول خلقهای ستم دیده ما بودند و فارغ از رنج و متسی که بر آنها می رفت ، به کار و زندگی آرام و بی دغدغه خود مشغول بودند ، هم اکنون شائر از جنبش راج گرفته توده ها ، برای تحقق خواستههای لیبرالی خود در جارجوب قانون اساسی و در عین حال برای جلوگیری از فشار سهمگین جنبش توده های که نابودی قطعی رژیم سلطنتی و استقرار حاکمیت خلق را نشانه گرفته است ، فعالیت وسیعی را آغاز کردند . در این رابطه آنها به عمل یز قدرت دگرگانی انقلابی بسی اقتدار متوسط جامعه - آیت الله خمینی - نزدیک شده و سعی نمودند با چانه زدن ها خود ، ایشان را وادار به مو ضعی معتدل و ملایمتر در برابر رژیم سر سبزده شاه بنمایند . اما در برابر مقاومت استوار آیت الله خمینی و تأکید صریح ایشان بر ضرورت نابودی رژیم ماطنتی ، جاره ای جز همگامی و دنباله روی - هر چند ناچیز - از خواسته های توده های وسیع مردم که عمیقاً خواهان نابودی رژیم شاه و قطع و نفوذ و سلطه امپریالیسم هستند ، ندیدند .

جنبش توده ها آنقدر عظیم و پرتوان بود که دیگر مجال برای چانه زدن ها و بند و بست های لیبرال های ما بوجود نیامد و با امواج پرتلاطم خود وی افتنا به پندار - باقیهای لیبرالهای ما حتی بر حفظ رژیم پوسیده سلطنتی ، نرفته و پیر توان بست نابودی قطعی رژیم شاه و قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم به پیش می رفت .

در چنین شرایطی که توده ها و جنبش آنها خیمه شب بازی و غوامرین دولت است " آشتی ملی " را به بن بست کامل رسانده و در عین حال حاشی برای بند و بست پیروزی لیبرال و سازش آن با رژیم خود گاه شاه باقی نگذاشته بود ، راه حلی جز تسلیم و یا مقاومت نبود نداشت . اما اگر این روشن است که رژیم ضد خلقی شاه و اربابان امپریالیست که طی سالهای مضاری ، به غارت و جیباول سرمایه های ملی و استثمار خلقهای زحمتکار مشغول بوده و بسادگی حاضر نخواهند شد تسن بسه خواسته های عادلانه و انقلابی توده ها بدهند و تحریکات انقلاب جهانی نظیر چین ، ویتنام ، کامبوج ، الجزایر ، فلسطین و قطار ... و تجربه انقلاب مشروطیت ، نهضت جنگ و جنبش ملی نفت در صحن خود مان نیز بیانگر این واقعیت است ، بنا بر این تردیدی وجود نخواهد داشت که دشمن هرگز بسادگی تسلیم نشده و بناچار به تنها راه حل مکن یعنی انفال دیکتاتوری و سرکوب خشن و وحشیانه جنبش انقلابی توده ها در محیطی پر از ارباب و خفقان و روی کار آوردن دولتی نظامی ، بعنوان ابزار این سرکوب ، توسل خواهد کردید .

دولت نظامی بر سر کار آمد و سر انجام خلقهای تهرمان ما پرده خیمه شب بازی دولت " آشتی ملی " را درید و بساط آتار جاروب کردند . جبهه کره دشمن بار دیگر هبان شد و این خود علیرغم تهاجم نظامی ضد انقلاب ، پیروزی بزرگی برای خلقهای ما بود . اکنون دشمن مجبور شده بود با آخرین سنگر خود رانده شده و جنگ و دندند زنیها و چنگه یوشان خون آشام خود را بر دم نشان دهد .

نگ و قنرت بر باند تبهکار شاه و چنگه یوشان و آدمکشان دولت نظامی او

کونه خیمه شب بازی، فریب و نیرنگ را پر دشمن قسم خورده خلقها بسته است. تودم های قهرمان خلق ما در طول همین یکسال مبارزه با شکوستان نشان دادند که دیگر چیز توکل به وحشیانه ترین سرکوبها و هزل عام ها نمی توان حتی پله ریز بر آنها حکومت کرد. جنبش عظیم و با شکوه آنها با پیروزی صمانه خوش، هرود تا آخرین حربه رژیم و سزای شاه را هم بی اثر کرده و با توکل به قهر انقلابی و توده ای، در مقابل قهر خد انقلابی، طومار رژیم ازنجلی شاه و حاکمیت اربابان امپریالیست او را درهم پیچید. اگر امپریالیست های جهانخوار آمریکائی و رژیم سرسپرده شاه، برای تأمین خانع کینف خود میخواهند به سرکوب خونین و قتل عام مردم ما پرداخته و آرایش گورستانی را بر ما تحمیل کنند، خلقهای مبارز و قهرمان ما هم در تدارک گورستان عظیم تری برای جهانخواران امپریالیست - بخصوص امپریالیستهای آمریکائی - و رژیم سرسپرده و مزدور شاه هستند. اوج مبارزه خلقهای ما اینک استوار و صم بزرگترین در امپریالیسم آمریکا در منطقه را می گوید و رسالت درهم شکستن آنرا بر عهده گرفته است، رسالتی که خلقهای ما با خون و آتش، صمانه بدان پاسخ خواهند گفت.

هم میهنان مبارز!

مبارزات پر شور و حماسه آخرین شاد و خلال یکسال اخیر و خون پاک هزاران شهید، آستان انقلاب ایران را رنگین نمود، با تئانی ضعیف و نارسانای های آن، علیه رژیم نبود، تشنگ و فقدان رهبری حزب پروتاریائی موفق گردید رژیم دیکتاتور و خون آشام پهلوی را قدم به قدم وادار به عقب نشینی نماید.

جنبش اعتراضی و اقتصادی بنا کارگران و کلودان مؤسسات دولتی و خصوصی و بخصوص شما کارگران مبارز صنعت نفت، رژیم شاه را در شدیدترین تنگناهای اقتصادی و سیاسی قرار داد و بزرگترین ضربه را بر خانع سرمایه داران و غارتگران داخلی و خارجی وارد آورد.

جنبش دموکراتیک و انقلابی شما خلقهای ایران، از نظر عمق و وسعت تا آنجا پیش رفت که هیچگونه زمینه ای برای سازش و بند بست پیروزی لیبرال با رژیم شاه و انحسار جنبش از راه اصلی آن وجود نیابد و لیبرالها را لچارا وادار به تحمیل و دنیا به روی از جنبش خد امپریالیستی و ضد سلطنتی نمود.

مبارزات قهرمانانه و حماسه آمیز شما و قدرت و فشار ناشی از آن موجب گردید تا وحدت درونی دشمن به نحوی سابقه ای بهم خورده و تمامی حربه های آنرا برای حفظ و بقای سلطنت و حاکمیت اربابان آمریکائی شاه کُند نموده و او را وادار به استفاد از آخرین راه حل یعنی دولت نظامی و اعمال دیکتاتوری و اختناق که سقوط هر چه سریعتر کل سیستم را فراهم خواهد ساخت، نماید.

اکنون همین جنبش ملیوم روی کار آمدن دولت نظامی که سعی در قلع و قمع و نابودی

آن دارد، باید با هوشیاری و آگاهی هر چه بیشتر شما توده های مبارز و بخصوص شما کارگران، زمینکش، متاسب با موقعیت و شرایط حاکم همچنان ادامه یافته و رشد کند. شمار اصلی این مبارزه باید سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خائن و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق (یعنی تشکیل حکومت زمینکنان و دیگر نیروهای خلقی جامعه به رهبری طبقه کارگر) از طریق قیام و مبارزه مسلحانه توده ای باشد.

و اما برخی از شیوه ها و تاکتیکهای که در شرایط فعلی مبارزه نقش مهمی در قیام ساختن ارکان سیاسی و اقتصادی رژیم داشته و میبایست از سوی کبه مردم مبارز ایران و بخصوص کارگران زمینکش بکار گرفته شود عبارتند از:

* ادامه اعتصاب عمومی در کبه کارخانجات و مؤسسات عمومی و خصوصی و بنوعی صنعت نفت که نه تنها ارکان اقتصادی رژیم را فلج میسازد بلکه با قطع نفت مانع از ادامه فارتگری و جهاول مبرهن ضعیف طمی مانند و ضربه مهلکی بر اقتصاد کشورهای امپریالیستی وارد خواهد آورد. در این میان کارکنان بخشهای مربوط به تأمین مایحتاج عمومی و خدمات عمومی و ضروری از این امر مستثنی هستند.

* کارگران و کارکنان اقتصادی، در جریان اعتصاب عمومی، باید درخواستهای صنفی و بخصوص سیاسی خود را که در رأس آن سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خائن قرار دارد، طرح ساخته و حتی الاکثر در محل کار و با در هر نقطه دیگری که امکان تجمع کارگران و کارمندان وجود دارد، بتوضیح کامل موارد درخواستی خود و افشای جنایات رژیم شاه متوسل گردید و از این طریق آگاهی افراد تازه کار و جوانان را افزایش داده و حتی القدر با کار توضیحی و اتصالی از فعالیت مناصر محافظه کار و مردد جلوگیری نمایند.

* انجام تظاهرات سیاسی در محل کار و بخصوص در معابر عمومی، بخاطر افشای هر چه بیشتر رژیم سرسپرده شاه و چکه پنهان دولت نظامی، که در شرایط فعلی باید با هوشیاری و دقت کامل صورت گیرد. تظاهرات سیاسی باید طبق برنامه قبلی و در زمان صحن شروع و خاتمه باید و همواره این آمادگی وجود داشته باشد که بعضی رسیدن تیرهای انتظامی و آذکنان حکومت نظامی سرعما متفرق شده و طبق قرار قبلی در محل دیگری اجتناب نمایند.

* خارج ساختن جمیوری و پس انداز از بانکها - عدم پرداخت مالیهات - جریحه ها و عوارض - نپرداختن اقساط بانکی و بخصوص اقساط مربوط به وام مسکن - عدم پرداخت آب و برق و تلفن - شلایب زمینهای دولتی برای تهیه سرپناه - لغو منوبت استفاده از مراعات و جنگلها - نپرداختن حقایق دولتی در روستاها - عدم پرداختن اقساط بانک کشاورزی و تعاون روستائی و بخصوص اقساط مربوط به اصلاحات ارضی - لغو منوبت صید ماهی و اقدام به صید آزاد توسط صیادان زمینکش - سرراز کردن جیرانان از خدمت نظام وظیفه و ترک خدمت سربازان و افسران و ...

پیش بسوی میوند بسا جنبشی طبقه کارگر!

پیش بسوی تشکیل حزب کمونیست ایران!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خانی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلقی!

بخش مارکسیستی - لنینیستی

سازمان مجاهدین خلق ایران

آبان ماه ۱۳۵۷

(در تکثیر و پخش این اعلامیه بکوشید)

کارگران مبارز! رزمندگان کمونیست!

محدود - و نه نابود - ساخت، هم از اینرو نقطه بنوب بسته شدن بدمی مجلس توسط محمد علیشاه را در پطن خویش پرورد .

قیام سلطانه تبریز، استعداد صغیر را در هم شکست، محمد علیشاه را بنیز کشید و مشروطیت سقط شده پیشین را که بیان ائتلاف حکومت مطلقه فئودالی با یوزواری لیرالی بود، احیا کرد. اما نفس همین ناپیگیری انقلاب، نفس این پیروزی نیم بند، نه فقط حکم لحدام جانبازان راستین انقلاب، حکم گوله باران ستارخان و ساجدهان بلند پایه تبریز را در باغ اتابک نهران و در آستان " مشروطیت " احیا نده در نخستین گامها - پیش به ارضان آورد، بلکه میدان را برقرار داد لاسارت آور ۱۹۱۹ و برحاکمیت دیکتاتور سیاه بیست ساله رضاشاه باز گذارد .

جنبش ملی کردن نفت، با تمام پیروزیهای درخشان و قاطعیت های ضد امپریالیستی اش، از آنجا که نتوانست و نتوانست ارتش وابسته به ارتجاع را در هم شکسته و بر ارتش مسلح خلق تکیه زند، فئودالیسم و یوزواری وابسته و ضایع آن در بارز انابود کرده، بنیان حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع را در هم کوبید و حاکمیت دیکتاتوری مسلح خلق را برپا دارد، راه را بر کوندای شوم ۲۸ مرداد، برقرار داد لاسارت آور کسریوم و برحاکمیت جدید دیکتاتوری خونبار ۲۰ ساله لغیر، باز گذارد .

واکنش که در مظهری دیگر از جریان تحول انقلابی جامعه، حاکمیت سلطه امپریالیستی در ایران پس از پیچ و تاب ها و فرم های گوناگون، در این آخرین کوره رامشکش به بین بستی مرگ آمیز رسیده است، وفاداری به انقلاب و تعارض مبارزات پیشین مردم مابین اولیه اش را در یافتاری بر این حقیقت بازمی باید که: بدون نابودی کامل حاکمیت امپریالیسم و سرنگونی یوزواری وابسته و استقرار حاکمیت مسلح خلق، پاسخگویی به خواستههای انقلابی توده ها ممکن نیست .

هقب نشینی از این شعار و تلاش در جهت هقب کشیدن جنبش متحد " مشروطه " هفتاد و سه سال پیش سقط شده که تجلی آشکارش را در شعارهای لیرالی " دولتست وحدت ملی " - دولت بند و ست امپریالیسم و یوزواری وابسته با یوزواری لیرالی تسلیم طلب و فریبت - بازمی باید، خیانت آشکار به انقلاب خلق و خدمت به حفظ و بقای سیستم محتر حاکم است .

اما علیهم فریاد آشکار تمامی تعارض انقلابی خلق و آرزوهای انقلابی بین المللی و اقمیت اینست که اقشار و طبقات مختلف خلق، انقلاب، آزادی و استقلال ملی را یکسان ندیده و محکم موقمیت اجتماعی خویش در جهات مختلفی از یکدیگر و استمرار انقلابی را متعکس می سازند. از اینرو در حالیکه حاکمیت امپریالیسم و دیکتاتوری یوزواری وابسته واقمیت موجود است که با دستگاههای بوروکراسی، پلیس و ارتش و یاب های اجتماعی اش بار سلطه خویش را بر خلقهای مبین ماتمحمل می کند، انقلاب تبتهای تواد بر شانهای آن نیروهای متکی گردد که امکانی برای سازش با دشمن نداشته، مانع و مصالح طبقاتی آنها در نابودی کامل این سیستم و تاحین پیروزی قطعی انقلاب نبهت است .

بقیتا این نیرو نمی تواند در وجود آن افشاری خفته باشد که تا پیروز مهر تاشید بر تمامی جنایات های رژیم می کوبیدند و شناطه گرد دیکتاتوری خونبار او بودند و امروز هراسان

هفتاد و سه سال پس از انقلاب مشروطیت، هفتاد سال پس از قیام سلطانه تبریز، ۵۷ سال پس از شکست انقلاب مسلح جنگ و سرکوب جمهوری گلان و بیست و شش سال پس از پیروزی قیام خونین سی ام تیر در متی از ارج شکوهند جنبش فاسد امپریالیستی ملی کردن نفت، امروز واری دیگر جنبش انقلابی خلقهای مبین مسا توفنده و یرتوان، آستان انقلاب دموکراتیک را می کوبد .

امواج انقلابی جنبش توده ها که از علق بحران سیاسی - اجتماعی و اقتصادی رژیم حاکم ریشه می گرفت، از نهضت خانه سازی در تابستان ۵۶ بحرکت در آمده با پیوستن وسیع روشنفکران و توده های زحمتکش در نیمه دوم این سال، گسترش فوق العاده یافت و دانش آن سرعت تمامی کنشها را در بر گرفت و گام بگام همیق تر شد بنحوی که حماسه ۲۹ بهمن تبریز با تمام عظمت کم نظیرش تنها طبعه خویش خشم خلق و سرآغاز فصل تابناکی از مبارزات قهرمانانه او بود .

اکنون و نه ماه پس از حماسه تبریز، در شرایطی از تلاطم مداوم امواج انقلابی که ارکان قدرت مطلق رژیم را بلرزده در آورده است، بررسی اجتنابی راه طی شده و ارزیابی چگونگی این حرکت و دستاوردهای آن، می تواند با تعیین مختصات کنونی جنبش، بسه ترسیم و غایف کمونیستهایاری رساند .

جنبش خلق در این مدت با پیوستن مداوم خویش و هقب راندن دشمن بقدرت لایزال توده ای را بنمایش گذارد و نشان داد که قدرت در گرن سازی اساسی در اساساً اجتماعی و حیات سیاسی و فرهنگی جامعه، تنها در مبارزه انقلابی توده های ملیتونی خفته است .

جنبش با تعرض و هجوم بی وقفه خویش چنان تغییراتی در حیات سیاسی جامعه پدید آورد که حداقل طی بیست و پنج سال اخیر بی سابقه بوده است. پیروزیهای متوالی جنبش در زمینه لغو تسمی سانسور، آزادی اجتماعات و تظاهرات، استقلال دانشگاهها، استقلال نسبی قوه قضائیه، محدود کردن بودجه نظامی و... سنکرها می پاسدار خفتان و دیکتاتوری دشمن را یک بیک در هم شکسته، انحلال و تشتت درونی او را نندت بخشیده و اینها همه توانی افزون به جنبش داده است تا به پیشنگری امپریالیسم و یوزواری وابسته در جهت پیشتر به حرکت خویش ادامه دهد .

اما تمامی پیروزیهای جنبش می تواند به پیروزیهای نیم بندی تبدیل شود هر آینه اگر حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته بشامی نابود نگردد .

تجربه ۷۳ ساله انقلاب دموکراتیک ما و تعارض انقلابی بین المللی نشان میدهد که اکتفا به محدود کردن حاکمیت امپریالیسم و دشمن طبقاتی بجای نابودی قطعی و نهایی آن، انقلاب را لغتیم گذارده و دستاوردهای آن را در مخاطره قرار می دهد. این حاکمیت را نسیب است فقط ضربه زد و محدود ساخت بلکه بایست بکلی نابود نمود. مادام که امپریالیسم حاکمیت بشامی نابود نشده است. پیروزیهای انقلاب نایاب و رومیستی خواهند بود و بحض فروکش کردن داشته انقلاب، تعرض ضد انقلاب و ایزس گرفتن تمامی احتیازات داده شده، شروع خواهد شد .

انقلاب مشروطیت و تاسیس مجلس شورای ملی، حاکمیت مستبد ارتجاع فئودالی را

شرط اصلی پیروزی کامل انقلاب، شرکت یکپارچه و مستقل سیاسی طبقه کارگر در آنست

بر قدرت ویر توان باضت های کوه کرده اش این دروازه را می گوید، اساسترین مسئله برای تمامی انقلابیون اینست که چه چیز پیروزی قطعی و بازگشت ناپذیر انقلاب را تضمین خواهد کرد ؟

بدون شک این تضمین نمی تواند تنها در شرکت گسترده و فعال خود پیروزی و دهقانان نهفته باشد که بدلیل محدودیت دایره تفکر و بینش خود ، همواره در معرض درغلطیدن به آفتوش پیروزی لیبرال هستند . دموکراسیم خرده پیروزی علییرتسم انتقال بیکریش همواره نیه کاره و ناتوان بوده و در تجربه تاریخی هفتاد سال اخیر همان بارها و بارها شاهد بوده ایم که چگونه مبارزات قهرمانانه خرده پیروزی ، سکوی پرتی برای پیروزی لیبرال بسوی شرکت در قدرت حاکم و بندوست باحکومتهای مطلقه بوده است که در نخستین گام خویش نیز به قربانیان کردن توده های وسیع خرده بود پیروزی می انجامیده است .

سرنوشت انقلاب همچون بارها و بارهای پیشین و با قطعیتی بیشتر ، ضوطبندان خواهد بود که آیا طبقه کارگر خواهد توانست بعنوان یک نیروی سیاسی مستقل بسا شمارهای دموکراتیک خویش در انقلاب شرکت جوید ، پیروزی لیبرال را منفسرد سازد و توده عظیم زحمتکشان شهر و روستا را بدنیال خویش بکشد میانه !

ویژگی تعیین کننده طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک مانه فقط حیتی براین اصل عام مارکسیستی است که : این طبقه بحکم موقعیت اجتماعی و اقتصادی پگانه طبقه پیگیر و تابه آخر انقلابی بوده و بر تئوری انقلابی شکل است و در پیروزی کامل انقلاب دموکراتیک که راهگشای مبارزه طبقاتی اولیه سرمایه داری است ، بیش از هر طبقه دیگری وسیع ترین طبقه اجتماعی را ساخته و از استثمار سرمایه و فقدان حقوق اجتماعی و سیاسی ... در تحت سیتم سرمایه داری وابسته بیش از هر طبقه دیگر و هر شرایط دیگر ، رنج می برد .

تأمین پیگیری انقلاب ، را دیکتاتوره کردن آن و غلبه برجسته ها و جلوه های اجتماعی و عقب مانده جنبش - که خود انعکاس موقعیت آن طبقات انقلابی است که در تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه نقش پیشرو و رو برترند نداشته و حکوم به زوالند - ، همواره در گردآست که آن طبقه پیگیر و تابه آخر انقلابی یعنی طبقه کارگر ، بعنوان یک طبقه مستقل و باجتنان نیروی در هر چه مبارزه دموکراتیک شرکت جوید که سرکردگی طبیعی خویش را در صحنه نبرد اعزاز نماید .

این طبقه همان نیروی است که بحکم نقش پیشرو خود در حیات اقتصادی ، اجتماعی جامعه ، از گرایش ارتجاعی برکار بوده و شعارش ، جمهوری دموکراتیک خلق ، نه یک اتئوی (ایده آله پندار مآبانه) و مجرد از واقعیت تکامل اجتماعی و اقتصاد جامعه و لاجرم غیر ممکن ، بلکه شعارست دقیقاً حیتی برواقبیت این تکامل راهگشای آن . این همان طبقه ای است که می تواند بر تئیه کاری و ناپیگیری خرده پیروزی و دهقانان قله کرده و انقلاب را تا سرنگونی کامل حاکمیت امپریالیسم و پیروزی وابسته و استقرار حاکمیت خلق رهبری کند .

* * *

اما امروز موقعیت جنبش طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ما چگونه است ؟

واقعیات و مشاهدات همین نشان می دهند که در مبارزات گسترده ای که در این چند ماهه در شکل نظاهرات خشم آکین خیابانی سراسر جامعه ما را در بر گرفته است توده های طبقه کارگر در کار دیگر افشار و طبقات خلق ، شرکت داشته اند . بطوریکه نباید بتوان گفت طی این مدت ، این شگه از مبارزه اجتماعی ، وجه غالب مبارزه توده های طبقه کارگر را نیز تشکیل می داده است . اما شرکت توده های طبقه کارگر در این شکل عالی مبارزه اجتماعی ، از یک موضع مستقل طبقاتی نشات نگرفته و لاجرم در درون این مبارزه نیز موضع و شعار مستقل خویش را - که بیان دموکراسیم پیگیر اراست -

قابودی قطعی رژیم وابسته شاه خائن، فقط باتکاء قدرت مسلح خلق امکان پذیر است

از وابستگی طغیان خشم خلق به تولا افتاده و ریاکارانه از همان بلندگوهای شناخته شده که تا دیروز سکهای تبلیغاتی و فریبکاری رژیم حاکم بود (مجلس ، روزنامه های وابسته و ...) بر نهادهای خلق درود و رحمان رژیم لعنت می فرستند . اینان با تمامی وجود به این سیستم وابسته متعلقند و مردمی نمائی متذل کنشی شان که چیزی بیش از ایجاد اصلاحاتی بس حدود - در حد جابجائی مهره ها - در این سیستم پوسیده و بظهور حفظ آن از توتوان انقلابی خشم خلق را جستجو نمی کند و عمدتاً مبارزه است و رقابت آمیز در صفوف دشمنان خلق که در همین حال تلاش دارد مبارزه خلق را نیز از مسیر انقلابی خویش منحرف و پراهبای و فریبستی امیدوار سازد .

این نیروی بنیان برانداز هم چنین نمی تواند در وجود آن اقتضای نهفته باشد که هر بار با هجوم استبداد زبونانه هزمت اختیار کرده و خلق را در هر چه نبرد تنها بگذارد و با وابستگی مجدد انقلاب سراز لاک خویش بدر آورده ، می کوشند با سوار شدن بر امواج جنبش خلق زمینه سازش و بندوست با حکومت مطلقه را فراهم آورده و با سبیم شدن در حاکمیت ، سیستمی را که در رتنگاه سقوط و تاپودی کامل قرار گرفته ، پایه های نسو حیاتی تازه بکشند .

اینان که بندگران سرمایه بردست و ایشان در کنار بی حقوقی سیاسی ای که - ضمن بد انان تحمیل کرده است ، رذوت و بندار نانی لیبرالی شان را جواد و انم ساخته ، بنا به ماهیت استثمار گرانه و ضد کارگری خویش ، به ارگانهای سرکوب رژیم پیش از آن نیاز - شدند که بتوانند خواهان سرنگونی کامل آن باشند و از همین روست که اکنون ، پس از بیداری از خواب ۱۵ ساله اخیر شان ، لانه آن قانون اساسی را که تکامل اجناسی و سیر مبارزه طبقاتی جامعه ما در حرکت هفتاد ساله خویش و پیروزه پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ ، به با یگانگی تاریخ سیرده است ، جستجو می کند و زمینه بی رونق تشکیل دولت وحدت ملی - وحدت پیروزی وابسته و لیبرال - را بر می دهند .

آن نیروی که می تواند سلطه امپریالیسم و حاکمیت پیروزی وابسته و با نخوی قطعی ناپود سازد ، فقط توده های زحمتکش خلق یعنی پرولتاریا ، دهقانان و سایر اقشار متوسط خلق است که با رستم و سلطه امپریالیسم را در تمامی مظاهر حیات سیاسی - اقتصاد و فرهنگی خویش بدوش داشته و بنیان دره عظیمی از تئوی و خشم و کین میان آنها و امپریالیسم و دیکتاتوری وابسته حائل است که هیچگونه امکان سازشی میان آنها تصور نیست . این توده عظیم می تواند و می باید با طرد پیروزی لیبرال اصلاح طلب و سازشکار ، مقاومت مرتجعانه و ضد انقلابی دشمن را در هم شکسته و حاکمیت مستقل ویش یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را برپا دارد .

شک نیست که امپریالیسم و پیروزی وابسته ، با چنگ و دندان از منافع ضد خلقی و استثمار گرانه اش دفاع نموده از هیچ جنایتی ابا نخواهد کرد . از اینرو نه فقط در هم شکستن مقاومت هاروسعانه دشمن که بر ارتش و نیروهای مسلح او شکی است ، بدون اعمال قهر انقلابی ، بدون قیام و مبارزه مسلحانه توده ای ، ممکن نخواهد بود ، بلکه حفظ این دستاوردها و پیروزیها در برابر هجوم مجدد ارتجاع - که پس از شکست مقاومتش صد بار افزونتر و پرمشابه تر می شود - نیز تنها با اتکاء به ارتش مسلح خلق ممکن است . از اینرو تبلیغ و ترویج هرگونه ایده و فریبستی و بندار لیبرال نشانه کسه پیروزی انقلاب را از راههای مسالمت آمیز بدون اعمال تئیر ، بدون درهم شکستن جبری نیروهای جنگی دشمن و بدون ایجاد ارتش مسلح توده ای ، ضروری و حتمی دانسته و از تئیرت ، تشنگ و تسلیح توده ها در این جهت ، خود داری ویزد ، تلاش آشکار است در جهت بازش کشاندن ، عقیم گداردن و ضایعات سرکوب کردن انقلاب .

* * *

بیش از هفتاد سال است که این توده عظیم می رزمند و در این رزم مداوم قهرمانانه که بر ستری از خون و آتش و باروت شگک گرفته است ، بارها و بارها بر سر ضلع های تحول انقلابی قرار گرفته ، اما علییرت تمام جانبازیها و پیروزیها ، آستان انقلاب دموکراتیک خلقهای مبین مان همچنان ناکشوده مانده است . اکنون که باری دیگر خلسی

ضخک نمی‌ساخته ، بلکه هموا یعنیان زائده ای از جنبش خردمندی و توسعه است
 شمارها و رهبری سیاسی او وصل می‌کرده است .
 تنگ مستقل مبارزه طبقه کارگر در اینده است ، جنبش انضامی او بوده است . این
 جنبش که تحت تاثیر جو انقلابی جامعه ، بخصوص در نگاه اخیر ، شدت و پستی
 بیسابقه گرفته است ، علیه اینکه در مواردی به انضام سراسری در بخش‌هایی از
 صنایع (انضام ۱۵۰ هزار نفری کارگران نساجی انجامیده و علیه اینکه در بخش‌های
 پیشرو طبقه ، چون کارگران صنعت نفت ، ذوب آهن ، ماشین سازی تبریز ، صنایع
 فلزی ایران ، ایران ترانسفر و ... به جنبش انضامی سیاسی بدل شده است که
 می‌تواند پیش در آمد انقلاب سیاسی جنبش طبقه کارگر باشد ، اما هنوز در بخش غالب
 خویش ضمن صفتی دارد و بیشتر اینکه بخش سیاسی شده آن نیز از روح آگاهی‌گو -
 نیستی کم بهره است و عمدتا در جارجوب یک سیاست انقلابی خردمندی قرار
 دارد . بطوریکه امروز در مجموع می‌توان گفت علیه انقلاب سیاسی تنگت جنبش
 توده ای ، ضعف برآمد سیاسی مستقل طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک خلق‌های میهن
 مان از اساسی‌ترین ویژگی‌های آن است که سیاسی آنرا ترسیم می‌نماید و اینجاست آن ضعف
 مبدلگی که حیات سالم و بیکر جنبش را تهدید می‌نماید و آنرا در مخاطره شکست و سازش
 قرار می‌دهد .

طبقیتا پاسخ این سوال را که در جنبش شرایطی از انقلاب سیاسی عمومی جنبش
 دموکراتیک ، چرا جنبش کارگری ما با تمام نیروی انسانی ، از آگاهی‌سویالیستی بسیار
 و بسیار کم بهره است ، چراییت شمارهای انقلابی خویش در جنبش دموکراتیک شرکت
 نمی‌کند ، چرا از موضع سیاسی منتهی بر خود ارنیت و ... باید در موقعیت
 کمونیستیا جستجو کرد .

مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که جنبش خود بخودی طبقه کارگر " با قوای خویش
 منحصر می‌تواند آگاهی‌توده‌یونیونیستی (اتحادیه ای) حاصل نماید " (لنین چه باید
 کرد) و نمی‌تواند به جنبش سوسیالیستی تبدیل شود چرا که آگاهی سوسیالیستی
 " کاملا مستقل از رشد خود بخودی جنبش کارگری و متابه نتیجه طبیعی و ناگزیر تکامل
 فکری و روشنفکران انقلابی سوسیالیست بوجود آمده است " (لنین چه باید کرد)

لذا برای ایجاد یک جنبش جنبشی باید آگاهی سوسیالیستی را با جنبش کارگری درهم
 آمیخت و از ره این کار ، پیوند با جنبش دموکراتیک مارکسیست لنینیست با جنبش کارگری
 است . هم چنین مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که " پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت
 بجز سازمان سلاح دیگری ندارد " (لنین ، یک گام به پیش دو گام به پس) - محکم
 موضع سیاسی مستقل و تمام اراده طبقاتی او تنها در سازمان پیشاهنگ اوست .

اما در مقابل این آموزشهای جاودان ، واقعیت امروز جنبش کمونیستی میهن مان
 چنان سیاسی را تصویر می‌کند که خطوط اساسی آنرا ، فقدان حداقل ارتباط لازم با
 جنبش طبقه کارگر ، فقدان حداقل تشکیلات ، حاکمیت ، حداقل تشنگت تفرقه و سردتر
 کی و ... تشکیل می‌دهد .

یقینا این ضعف و عقب ماندگی مغرط جنبش کمونیستی ، صرف نظر از نقش حاکمیت
 دیکتاتوری خونبار و سرکوبگر رژیم استبدادی شاه ، که طی سالیان خنثی ، هرگونه تشنگ
 سیاسی مخالف موجودی را در هم شکسته و متدهی بر سر راه نطفه‌بندی ، تشنگی و
 حرکت هرگونه تشکیلات و سازمان انقلابی نوینی بوده است ، در همین حال در رابطه با
 عملکردهای گذشته و نتیجه ناگزیر انحرافات حاکمیت بوده است . در این میان - اگر از
 ضربات و لطافت خردکننده و فاحشی که حزب توده با کوله بار بیش از ۳۵ سال انحراف و
 ۱۵ سال خیانت از درون و بیرون بر جنبش کمونیستی ما وارد آورده است ، بگذریم - به
 جرأت می‌توان گفت متدهی جریکی که طی چندین سال بر بخش اعظم مارکسیسم -
 لنینیستهای انقلابی جامعه ما و کلا بر جنبش کمونیستی میهن مان حاکمیت دانست ،
 نقش مهمی در این عقب ماندگی بازی کرده است .

این متدهی با جنبش ستن پروا قیامت مبارزه توده ها و سرافرو آوردن در مقابل
 دموکراتیسم پرولتاریائی را در سطح جنبش هر چه وسیع تر تبلیغ و ترویج کنیم

صیان انقلابی و روشنفکران جدا از توده ، باندیده گرفتن وظیفه جمعیتد هم‌زماندهی
 و ارتقاء آن اشکال متنوع مبارزاتی که جنبش توده ها در خلال حرکت خویش پدید
 می‌آورد و متقابلا باطلق کردن تنگ مبارزه و تلاش برای تحمل این شکل از پیشرفته
 ننده - طبقات صلحانه و روشنفکران خرد و جدا از توده - بر مبارزات آنها و بالاخره
 بلعدم درک از مفهوم آگاهی همه جانبه سوسیالیستی و تبلیغ و ترویج این آگاهی و
 میانجینی این تبلیغ و ترویج و افشاکری همه جانبه عامل صلحانه و روشنفکران خرد و قابل
 شدن نقش آگاهی دهنده بدان ، روشنفکران انقلابی را در مدار جدا از توده ، به بند
 کشیده از پیوند آنها با جنبش توده ها - طبقه کارگر - و نتیجتا از تلفیق آگاهی سوسا -
 لینی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر جلوگیری می‌کند و بدین طریق بطور ناگزیری
 در مقابل ضرورت انکارناپذیر تشکیلات حزب کمونیست قرار گرفته و ضرورتا بدینجا
 می‌رسد که از نقطه نظر تشویک نیز سازمان جریکی بیگانه با جنبش طبقه کارگر را جانستین
 حزب کمونیست - محصول تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش طبقه کارگر - می‌نماید .
 اینست که امروز جنبش کمونیستی میهن ما با کوله باری از حاکمیت چندین ساله
 متدهی جریکی ، و در شرایطی از انقلاب سریع جنبش توده ها و طبقه کارگر ، خود را بندت
 جدا از آن و محروم از دانش تشکیلات حزبی و فزونی در دستیابی از راهگدگی ، سردرگسی و
 ابهام می‌یابد .

اکنون روشن این واقعیت دردناک ، وظیفه همیشگی کمونیستها در ایران بر کار در درون
 طبقه ، سازماندهی و هدایت مبارزات آن و فراهم آوردن آن ابزار سازمانی که مظهر
 و تمام اراده مستقل طبقه کارگر است ، اهمیت و برحمتگی ویژه ای می‌یابد .
 اگر امروز طبقه کارگر از ایفای نقش تاریخی و ناگزیرش در انقلاب دموکراتیک مابعد
 است ، اگر کمونیستها بنحوصحتشکلی از مبارزات طبقه کارگر بیگانه اند ، و اگر در جنبش
 شرایطی ، جنبش دموکراتیک خلق‌های میهن مان یکی از بالاترین دورانیهای انقلاب تاریخی
 این را می‌گذراند ، برای آنکه طبقه کارگر بتواند نقش تاریخی انرا ایفا کند و بدین طریق
 بیکری انقلاب تضمین شود ، این رسالت بر دوش کمونیستها است که بوظیفه پیوند با
 جنبش طبقه کارگر و تشکیلات ستاد رهبری کننده آن حزب کمونیست ایران بپردازند .
 امروز ما باید با تمام قوا و سرعت هر چه بیشتر به ایفای این دوظیفه مهم بپردازیم

همت گماریم و بگوئیم تاریخ ماندگی و مشتاک خویش غلبه کنیم .
 اما در این میان باید تنگه سیار مهمی را تذکر کردید و آن لزوم توجه به " تعمیم کاسلا
 انقلابی جامعه و جنبش توده ای و رابطه متقابل آن با مبارزه طبقه کارگر و همچنین
 هوشتیاری در برابر خطر بروز آن انحرافی است که بخواهد طبقه کارگر از جدیده جنبش
 توده ای - که جنبش باضمون کاملا دموکراتیک و طبقه کارگر جز " لاینفک و جدترین
 نیروی آن است - جدا نموده و خود مشغول دارد .

نیروی عظیم طبقه کارگر ، علیه فاصله قابل ملاحظه ای که هم اکنون از نظر سطح
 آگاهی سیاسی - طبقاتی خود نسبت به سایر طبقات خلق دارد ، بدلیل اینکه بیشتر
 از هر طبقه دیگر بار تاراج و مستکریهای رژیم نهبکشانه را بر دوش می‌کشد ، آمادگی آنرا
 دارد که سرعت و متنوان قاطع ترین و بیکرترین نیروی طبقاتی جامعه در جنبش سیاسی
 و دموکراتیک خلق مشارکت وریده و سپهروشان خود را بر آن نقش زند . شرکت سیاسی ،
 مستقل و یکپارچه کارگران مبارز صنعت نفت و دنیال آن صنایع گاز ، پتروشیمی و ...
 اولین طلبیده در جنبش این حرکت نوین و چشم انداز پرشکو و بیان آشکار این آمادگی در
 طبقه کارگر ایران است .

بنابراین هرگونه کم بهادان به این امر جدا کردن طبقه کارگر از مجموعه
 جنبش دموکراتیک ، به این بهانه که این طبقه هم اکنون در مدار پائین تری از آگاهی
 قرار داشته و تنگ مبارزه اش نازل تر از اشکال مبارزاتی جاری در سطح جامعه و
 جنبش توده ای است ، چیزی جز فرواندان در دام یک انحراف اکتوسیستی که جنبش
 سیاسی طبقه کارگر و به تبع آن کل جنبش دموکراتیک را در معرض خطرات و مضامات
 جبران ناپذیری قرار می‌دهد ، نخواهد بود .

این متدهی با جنبش ستن پروا قیامت مبارزه توده ها و سرافرو آوردن در مقابل
 دموکراتیسم پرولتاریائی را در سطح جنبش هر چه وسیع تر تبلیغ و ترویج کنیم

این متدهی با جنبش ستن پروا قیامت مبارزه توده ها و سرافرو آوردن در مقابل
 دموکراتیسم پرولتاریائی را در سطح جنبش هر چه وسیع تر تبلیغ و ترویج کنیم

چه این جنبش ارتباط لازم را با طبقه ندارد ، اگر چه طبقه کارگر قاعد سازمان
پهناشنگ ورزنده سیاسی خویش - حزب کمونیست - است ، با این حال ، این
عقب ماندگی هادر این واقعیت گریزناپذیر که سرنوشت انقلاب به موعودیتش
علی طبقه کارگر در آن وابسته است ، تعیینی نمی دهد .

باید برش این واقعیت که تنها شرکت مستقل طبقه کارگر تحت رهبری سازمان
سیاسی خویش - حزب کمونیست - و تا این سرکردگی آن بزرگ نیروهای انقلابی
است که می تواند حامین پیروزی قطعی انقلاب باشد ، برویشی می توان به اهمیت
عظیم ضرورت سمت گیری نیروهای مارکسیست - لنینیست در جهت پیوند با طبقه
کارگری برود و نشان داد که حکمیه تلاش های ابتدائی امروز ، در جهت پیوند با
طبقه و تا این وحدت صفوف جنبش کمونیستی ، گام هائی اگر چه کوچک اما ناگزیر
وسری است که راه پسر انتشار آینده را می گشاید و خطوط پیروزی را
ترسیم می کند .

از این رو در شرایطی که جنبش نو ده ای انقلاب سیاسی - انقلابی عظیمی را می بپایند
و با همه بر وضعیت انقلابی روشنی قرار گرفته است ، در حالیکه این جنبش - که طبقه
کارگر نیز به اشکال گوناگون در آن شرکت دارد - در حرکت و شکا ط خویش مرتباً اشکال
و شیوه های سازمانی نو و عالیتری را اختیار می کند و حتی می رود تا عالی ترین شکل مبارزه
سیاسی - مبارزه مسلحانه نو ده ای - را در دستور قرار دهد ، شمار بضمون گزار
سیاسی و تشکیل دهنده کمیونتها در میان طبقه کارگر نمی تواند مورد انظار و نظارت
عظیم جنبش نو ده ای اتحاد شود . حد انبساط طبقه کارگر از این مجموعه ملاحظه و
جوشان ، نادیده گرفتن تاثیرات قاطع آن در مبارزه طبقه کارگر و اشکال سازمانی
به انقلاب آن ، به انحراف در شمار بضمون کار کمیونتها در سن طبقه کارگر انجامیده و
جنبش طبقه را بار دیگر اینبار از موضعی راست و نسیم ضایع دچار انحراف و محدودگی
خواهد کرد .

امروز اگر چه جنبش کمونیستی مبنی مادچار نفوذ و تشنجت در دنیائی است ، اگر

ییش بسوی یونددبا جنبش طبقه کارگر!

ییش بسوی تشکیل حزب کمونیست ایران!

سرتگون باد رژیم سرمایه داری وابسته به امیربالیسم شاه خاخی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

بخش مارکسیستی - لنینیستی

سازمان مجاهدین خلق ایران

آبان ماه ۱۳۵۷

به پشتیبانی از جنبش اعتصابی کارگران مبارز برخیزیم!

هموطنان مبارز!

در زمانیکه کارگران ایران با بسط اعتصابات سیاسی خود، با گامهای استوار پا به عرصه مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان میگذارند؛
در زمانیکه کارگران مبارز به پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک کلیه اقشار و طبقات خلقی بیامیخیزند و با اراده کاری و پیگیری خود برآند که جنبش انقلابی و دموکراتیک خلقهای ما را به پیروزی کامل آن نزدیک سازند؛

پشتیبانی از اعتصابات و اعتراضات کارگران و اعلام همبستگی با آنان بوسیله برپایی اعتصابات و تظاهرات سیاسی و کک رسانی مادی به کارگران مبارز اعتصابی از وظایف هموطنان مبارز است.
”برقرار باد همبستگی نیروهای انقلابی خلق!“

”پیروز باد مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی
خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر!“

بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

آذرماه ۱۳۰۷

به پشتیبانی از جنبش اعتصابی کارگران مبارز صنعت نفت برخیزیم!

هموطنان مبارز!

در حالیکه جنبش اعتصابی دهها هزار کارگر مبارز صنعت نفت در سراسر ایران به کانون و مرکز ثقل مقاومت بر علیه توطئه ها و تجاوزات رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ضفور تبدیل شده است؛
در حالیکه دهها هزار کارگر صنعت نفت در رأس جنبش اعتصابی برای تحقق درخواستهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ما قرار گرفته اند؛

با اعلام پشتیبانی از کارگران صنعت نفت و رسانیدن کمک های مادی خود به آنها این کانون مهم مقاومت جنبش دموکراتیک میهنمان را تقویت نمائیم.

”برقرار باد همبستگی نیروهای انقلابی خلق!“
”پیروز باد مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی
خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر!“

بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۵ ماه ۱۳۰۷

توطئه سکوت رژیم مزدور شاه خائن را خنثی کنیم!

رژیم جنایتکار و سرسپرده امپریالیسم شاه خائن با سر زمین افکندن آخرین برگ خود و روی کار آوردن دولت نظامی، به جو خفقان و سرکوب حاکم حدتی دویاره بخشیده و بدینوسیله ابتدائی ترین حقوق توده ها، یعنی آزادی بیان و قلم را آشکارا مورد تجاوز قرار داده است!

انتشار مستمر شرح تظاهرات و اعتصابات و مبارزات نیروهای مبارز، بوسیله کارگران اعتصابی و توزیع آن در کارخانه ها، دانشگاهها و مدارس و... میتواند میزان زیادی توطئه سکوت رژیم مزدور را خنثی سازد.

مختر مارکسی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

آذرماه ۱۳۰۷

کارگران و زحمتکشان!

طبقه کارگر از آنجا که بیش از هر طبقه دیگر فشار طاقت فرسای چپاولها و فارتگریها، استتصال و بهره کشی رژیم فارتگرشاه خائن را تحمل می کند، بیشتر از هر طبقه دیگر در زنجیر اینجور اید و استتشار قرار دارد و بیش از هر طبقه دیگر ستم میکند و از آنجا که جز زنجیر بزرگتری را در این انقلاب از دست نمی دهد، انقلابی ترین نیروهای جامعه را تشکیل میدهد. بزرگترین متحد، یکپارچه، مستقل و متکامل طبقه کارگر در انقلاب، تحت رهبری حزب خودکام و کمونیست - رژیم تبه کار و ضد کارگری شاه را برای همیشه به زباله دان تاریخ خواهد سپرد.

یروز باد مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی

خلفهای ایران به رهبری طبقه کارگر!

مختر مارکسی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

آذرماه ۱۳۰۷

توطئه سکوت رژیم شاه را با شکست مواجه کنیم!

کارگران، زحمتکشان مبارز!

در بسیاری از بخشهای صنعتی، تولیدی و خدماتی کشورمان هم اکنون کارگران و کارکنان مبارز در زیر فشار حکومت سرنیزه و علیرغم تهدیدها و تطمیعهای رژیم مغرور شاه به اعتصابات قهرمانانه سیاسی و صنفی خود ادامه میدهند. در حالیکه رژیم اخبار مربوط به این اعتصابات را که در پاره ای موارد به تصادمات خونین منجر شده یا بکلی سکوت میگذارد و یا بدروغ خبر از پایان یافتن آن میدهد.

بکوتیسم یا بخش هر چه بیشتر اخبار مربوط به اعتصابات کارگران و زحمتکشان در میان کارگران مبارز و سایر نیروهای جنبش، نیرنگهای رژیم سرسپرده شاه خائن را خنثی کرده و توطئه سکوت وی را با شکست مواجه سازیم.

مختر مارکسی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

آذرماه ۱۳۰۷

معنی پیروزی چیست؟

رژیم جنایتکار شاه در اثر سالها خیانت و سرسپردگی، سالها دلالی امیرالایم، سالها رشاد و جنایت و تبه کاری، هم اکنون در مقابل طوفان عظیم مبارزات توده ای در حال زلزل و ریختن است. عقب نشینی های این رژیم فقط و فقط بر اثر فشار عظیم مبارزات توده ای و کمپرونیستی استیصال و درماندگی است. هر زمان فشار انقلاب شدت یابد، ارتجاع عقب نشینی میکند و زمانیکه فشار ضعیف شود و رژیم کوچکترین فرصتی بدست آورد، گذشتهها و عقب نشینیها را پس گرفته می شود.

بنابراین عقب راندن دشمن و امتیاز گرفتن از او بهیچ وجه چاره کار نیست باید آنرا نابود کرد. فقط با نابود کردن کل رژیم ارتجاعی و دلال صفت شاه و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، خلقهای ما می توانند به استقلال و آزادی کامل برسند.

نابود باد رژیم سرمایه داری وابسته به امیرالایم شاه خائن!

بخش مارکستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۰۲ - ۵۶۲

هم میهنان مبارز!

زمام امیرالایم و رژیم شاه خائن مزورانه در پشت قانون اساسی سنکر گرفته و دم از باصلاح قانون اساسی میزنند که میلیونها نفر مردم زحمتکش و مبارز میهن ما صمصانه اراده کرده اند تمام آشار دربار، رژیم سلطنتی و بساط ارتجاعی را از ریشه برکنند و آنها را بزباله دان تاریخ بپسارند.

خلقهای قهرمان ما در تجربه دهها سال مبارزه خود و برخورد با دهها سال توطئه و مردم - فریبی رژیم شاه، دریافته اند که رژیم شاه و سیستم سلطنتی و دستگاه ارتجاعی دربار، کانون فساد و تباهی، کانون خیانت و سرسپردگی و کانون جنایت و آدمکشی بوده است و باید آنرا از ریشه برکنند.

در چنین شرایطی لیرالهای رژیم همچنان دم از قانون اساسی و حفظ رژیم فوق ارتجاعی سلطنتی میزنند. آنها چشمانشان را بر روی تکیه سال دیکتاتوری، دهها سال جنایت و تبه کاری رژیم شاه و دربار می بندند و همچنان در جستجوی مصلحت با رژیم نکت بار شاه و خواهان حفظ دستگاه ارتجاعی سلطنتی هستند. آنها مبارزه انقلابی میلیونها مردم زحمتکش و مبارز میهن ما را افراطی تلقی کرده و خواهان این هستند که خواسته های انقلابی توده ای ما را در چهار رچوب مطالبات لیرالی و سلطنت طلبی خود به بند بکشند و آنرا مهار کنند. آنها می خواهند که ظاهرا خود را همراه جنبش می نمایانند و "با یک دست و آنهم خیلی خیلی به ندرت مبارزه را راه آزادی کمک می کنند، ولی دست دیگر خود را همیشه بسوی شاه دراز کرده و با او عده میدهند و در جهت ویرا حفظ و تقویت نمایند". (نقل بمعنی از لنین) . سعی می کنند کارگران و زحمتکشان را دموکراتهای پیکیرا با سیستم فوق ارتجاعی و ضد مردمی سلطنتی آتش داده و نگذارند خدای نکرده که کار و فاسد شاه نابود گردد. اما خلقها و توده های زحمتکش و مبارز ما، صمصانه و با درک عمیق اتحاد آشتی - ناپذیران با رژیم شاه، مبارزه قهرآمیز و انقلابی خود را بسمت نابودی و سرنگونی کامل رژیم شاه، قطع سلطه امیرالایم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق متمرکز کرده اند.

نابود باد رژیم ارتجاعی وابسته به امیرالایم شاه خائن!

بخش مارکستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۰۲ - ۵۶۲

دمکراتهای انقلابی! انقلابیون کمونیست!

کارگران، دهقانان و طبقات متوسط جامعه، نیروهای جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی جامعه ما را تشکیل می‌دهند. در این جنبش انقلابیون کمونیست در کنار دمکراتهای مذهبی بر علیه دشمنان قسم خورده خلقهای مبارز ما - امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه - مبارزه می‌نمایند. هرگونه کوششی در جهت تفرقه و تشتت این نیروها، هرگونه کوششی در جهت نفاق و برانگیختن ایمن نیروها بر علیه هم، مستقیماً بنفع دشمن تمام شده و آب به آسیاب آنها می‌ریزد.

بگوئیم صفوف خود را هر چه فشرده تر ساخته، خرابکاریها و تلاشهایی را که از طرف برخی نیروهای ارتجاعی در جهت تفرقه و تشتت نیروهای انقلابی میشود افشاء نمائیم.

برقرار باد همبستگی نیروهای انقلابی خلق!

بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۰۷ هـ - ۵۴۲

کارگران و زحمتکشان!

زمانیکه طبقه کارگر با نیروی عظیم خود بصورت متحد، یکپارچه، مستقل و متشکل در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی شرکت کند، دیگر رژیم شاه هرگز وحشی با حمایت تمامی قدرت امپریالیسم آمریکا، قادر بحیثیات خویش نخواهد بود. سرنگونی کامل رژیم تبه کارنماه، قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم و استقرار جمهوری دمکراتیک خلوص فقط و فقط با پیوستن طبقه کارگر به جنبش توده ای و قرار گرفتن در رأس آن میسر خواهد شد.

پیروز باد مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران

به رهبری طبقه کارگر!

بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۰۷ هـ - ۵۴۲

بزرگترین دشمن امپریالیستهای جهان در منطقه فرومی ریزد

تمام خلقهای جهان، رژیم خائن و جنایتکار شاه را در شمار ارتجاعی ترین، فاسدترین، مکررترین، جنایتکارترین و وحشی ترین رژیم های دنیا و بعنوان مهمترین پایگاه و مرکز امپریالیسم آمریکا در منطقه می‌شناسند. هم اکنون مبارزین راستین، تمام خلقهای شرقی جهان به ایران و مبارزات درخشان و انقلابی خلقهای ما چشم دوخته اند. خلقهای قهرمان ما سرانجام با درهم کوبیدن این دژ، بزرگترین ضربه را بر ضلع امپریالیسم در غرب آسیا وارد خواهند کرد. تا نابودی کامل رژیم دلال و وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی و بیرون ریختن امپریالیستهای جهانخوار از ایران، از طریق قیام و مبارزه مسلحانه توده ای، بمبارزه انقلابی خود ادامه دهیم.

نابود باد رژیم شاه و سلطه امپریالیستهای جهانخوار!

بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۰۷ هـ - ۵۴۲